



## مصوبه مجلس؛

## میلیون ها تن به زیر خط فقر رانده می شوند



### صادق کار

حکومتی دولت، چندان هم بی ربط و بی مایه نیست. واقعیت این است که حداقل یکی از دلایل طرح پرداخت نقدی یارانه توسط دولت احمدی نژاد، خرید حمایت اقشار و طبقات کم درآمد و فقیر بود و این ترفند هواخواهانی برای دولت احمدی نژاد حداقل در کوتاه مدت ایجاد کرد و حتی عده‌ای از میان اپوزسیون و طرفداران دولت کنونی نیز با وجود مخالفت‌هایی که با جریان احمدی نژاد داشتند به بهانه‌های مختلف از آن استقبال و حمایت کردند و بعضا نیز به مخالفانی که آن را ترفندی برای حذف تدریجی سوبسیدها می دانستند تاختند.

به انتقادات شدید دولت روحانی از پرداخت نقدی یارانه، دولت را متهم به فریب کاری و دو دوزه بازی در این ارتباط نموده‌اند. بطور کلی از فحواي کلام کسانی که دولت را به این خاطر مورد انتقاد و حمله قرار داده‌اند، چنین بر می آید، که آنها معتقدند، دولت با زیرکی تمام، کاری را که آرزو داشته انجام دهد و به دلیل عواقب اجتماعی نمی خواسته مستقیما انجامش دهد، به کمک مخالفین اش در مجلس انجام داده و از آن هم زیرکانه تر خودش نقش اپوزسیون را بازی کرده و عواقبش را هم به گردن مخالفین انداخته. در واقع انتقاد و اتهام مخالفین

اکثریت نمایندگان مجلس در روز سه شنبه به هنگام بررسی جزئیات طرح برنامه بودجه سال ۹۵ دولت، به حذف یارانه کلیه اشخاصی که درآمد سالانه شان بیش از ۲۵ میلیون تومان باشد رای داد. بنا به همین گزارشات دولت ظاهرا با حذف این تعداد و سقف ۲۵ میلیونی مخالف بوده و قصد داشته به جای ۲۴ میلیون، ۷ میلیون نفر از پردرآمدترین یاران بگيران را از لیست یارانه بگيران در سال ۹۵ حذف کند.

در این میان مخالفین و رقبای حکومتی دولت، که طراح و مدافع طرح قطع یارانه کلیه اشخاصی که بالغ بر ۲۵ میلیون میلیون تومان هستند و سخنگویان کسانی که در مجلس به طرح رای داده‌اند، عطف



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

اشان را تضعیف کند. از همین روی در این موش و گربه بازی جناح‌ها آنان که به طرح یارانه رای دادند و تصویب کردند اینک به اقتضای جنگ قدرت علیه طرح دولت رای دادند و آنهایی که در ظاهر مخالفش بودند و از هرفرصتی برای حمله به بانینیان نقدی کردن یارانه بهره می گرفتند، اینک به نوعی طرفدار حفظ اش شده‌اند! اما در این میان بازنده اصلی باز هم مردم هستند. دلایل مخالفت ظاهری دولت با سقف درآمدی یارانه بگیران کاملاً موجه است، اما با رفتار عملی دولت در تضاد و تناقض قرار دارد. اگر دولت واقعا پایبند به حرفهایی که در مخالفت با سقف درآمدی می زند داشت، می بایستی حداقل دستمزد را نه ۸۰۰ هزار تومان بلکه حداقل ۳ میلیون تومان تعیین می کرد. و آن حساب و کتابی را که راجع به یارانه طرح کرده بود در هنگام تعیین دستمزدها نیز که نیازی به تصویب مجلس هم نداشت ملحوظ می کرد. این است آن تفاوت اصلی میان اصولگرایان و جریان موسوم به اعتدالگرا

زیر خط فقر نیز که توسط دولت تا کنون پیش برده شده، این نظر را که دولت در واقع مخالف مصوبه دیروز مجلس نبایستی باشد و دارد نقش مخالف آن را بازی می کند تأیید می کند. در کشوری که همه مسایل اقتصادی و سیاسی توسط سیاست مداران حکومتی و جبهه المصالح جنگ جناح‌ها بر سر قدرت قرار می گیرد و اصل قضیای قربانی فروعات می شود، گزاره نیست اگر که گفته شود که در این کشمکش هم دعوا نه بر سر یافتن یک راه حل منطقی و معقول برای مسئله یارانه، بلکه بر سر موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جناح‌هاست. اکثریت مجلس در این بازی با تصویب این طرح ضد مردمی در واقع در شرایطی که خط فقر بالغ بر ۳ میلیون تومان در ماه است با منظور کردن این سقف عملاً میلیون نفر دیگر از شهروندان که هم اکنون در مرز بین خط فقر قرار دارند به زیر خطرانده خواهند شد. به نظر می رسد آنها با این ترفند می خواهند هم از کسانی که در انتخابات به جناح‌شان پشت کردند انتقام بگیرند و هم موقعیت حریف دولتی

روحانی و مقامات دولتی و هوادارانشان نیز از ابتدا تا کنون از هر فرصتی برای حمله به پرداخت نقدی یارانه‌ها بهره گرفتند و بهمین بهانه بدون این که دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان را افزایش دهند به همین بهانه، مانند دولت احمدی نژاد شروع به بالا بردن قیمت نان سوخت، لبنیات... نمودند و در واقع حرکت بسوی قطع کامل سوبسیدها را ادامه دادند. مقامات دولت روحانی بارها از ضرورت قطع یارانه افراد مرفه دفاع کردند و در تلاش بودند، زمینه‌اش را فراهم کنند. اما پس از آن که طرح پرجنجال شان مبنی بر انصراف داوطلبانه مردم از گرفتن یارانه به سختی شکست خورد و دانستند که کار سخت تر از آن است که تصورش را می کردند به دنبال راهی بودند که منجر به تضعیف موقعیت اجتماعی شان نشود. بنا به همین دلایل منطقاً دولت نمی توانسته حتی با قطع یارانه کسانی که درآمد سالانه شان از ۲۵ میلیون تومان سقف مورد درخواست مجلس است مخالف باشد. سیاست منجمد کردن دستمزدها





# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

از تجربه دیگران

## اقتصاد غیررسمی: تعاریف، تئوری ها و سیاست ها

(بخش اول)

انتشارات سازمان زنان در اقتصاد غیررسمی:

در راه جهانی شدن و سازمانیابی (ویگو)

نوشته: مارتا آلترا چن

### چکیده

امروزه شاهد توجه مجددی به اقتصاد غیررسمی در سراسر جهان ایم. این واقعیت از آن روست که بخش بزرگی از نیروی کار و اقتصاد جهانی شده، غیررسمی است و نیز از آن روست که اقتصاد غیررسمی در بسیاری از عرصه ها در حال توسعه است، هر روز با چهره جدیدی در هر جا رخ می نماید. نوشته حاضر یک بررسی اجمالی است از تعاریف اقتصاد غیررسمی، تئوریه‌ها و مباحثات سیاسی پیرامون آن. نوشته با بررسی تاریخی مختصری از مفهوم اقتصاد غیررسمی و مباحث مربوط به آن آغاز می شود و مکتبی دارد بر ۴ مکتب فکری مسلط در مطالعه اقتصاد غیررسمی. سپس به بازاندیشی‌های کنونی در این مفهوم می پردازد و مفهوم آماری استخدام غیررسمی و مدل‌های مفهومی جامع در

باره ترکیب و علل اقتصاد غیررسمی را با تفصیل نسبی تشریح می کند. بخشی از نوشته به بررسی پیوندهای بین اقتصاد غیررسمی با مؤسسات و مقررات رسمی، و بحث "رسمیت دادن به اقتصاد غیررسمی" اختصاص دارد. نوشته سیاستی جامع در پاسخ به اقتصاد غیررسمی را پیشنهاد می کند. این پیشنهاد شامل ۴ رکن اصلی است: ۱- ایجاد مشاغل رسمی بیشتر، ۲- انتظام مؤسسات و مشاغل غیررسمی، ۳- بسط حمایت‌های دولتی - هم اجتماعی و هم قانونی - از نیروی کار غیررسمی و ۴- افزایش بارآوری مؤسسات غیررسمی و دستمزد کارگران غیررسمی.

نوشته، با فراخوان به بازاندیشی پایه ای در باره آینده اقتصاد غیررسمی پایان می یابد.

### مقدمه

در دهه های ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته این فرض بسیار رایج بود که با فراهم آوردن ترکیب مناسبی از سیاستها و منابع اقتصادی، اقتصادهای کم درآمد سنتی می توانند به اقتصادهای دینامیک مدرن تحول یابند. بنا به این فرض، در روند این تحول بخش سنتی - شامل تجارت خرد، تولیدات محدود و رشته ای از مشاغل پراکنده - در

اقتصاد مدرن و رسمی سرمایه داری جذب می شد و بنابراین از بین می رفت. این چشم انداز در پیش بینی ویلیام آرتور لویس، در مقاله ای که او در سال ۱۹۵۴ انتشار داد و از این بابت به دریافت جایزه نوبل در اقتصاد نائل شد، منعکس است.





# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

فرستاد. از هانس سیلگر و ریچارد جولی خواسته شد که هدایت نخستین هیئت استخدای را، که در سال ۱۹۷۲ به کنیا اعزام شد، به عهده گیرند. این هیئت به این نتیجه رسید که بخش سنتی در کنیا، که هیئت آن را "بخش غیررسمی" نام گذاشته بود، هم شامل مؤسسات اقتصادی سودآور و مؤثر و هم شامل فعالیتهای حاشیه ای است. عبارت "بخش غیررسمی" یک سال پیشتر از آن توسط انسان شناس بریتانیایی، کیث هارت، ابداع شده بود. نامبرده در سال ۱۹۷۱ مقاله ای را در باره فعالیتهای کم درآمد مهاجران غیرماهر شمال غنا به پایتخت این کشور، آکرا، که موفق به یافتن کار با دستمزد نمی شدند، انتشار داد. در این مقاله دو اصطلاح "بخش غیررسمی" را به کار گرفته بود.

هم کیث هارت و هم هیئت اعزامی به کنیا نظر بسیار مثبتی نسبت به این "بخش غیررسمی" داشتند. هارت نتیجه گرفته بود که اگرچه این بخش با محدودیتهای بیرونی و سلطه سرمایه داری مواجه است، "اما بیشترین مهاجران داخلی در آکرا به فعالیتهای اقتصادی غیررسمی اشتغال دارند و این بخش از ظرفیت مستقلی برای تولید درآمد برخوردار است". هیئت اعزامی به کنیا هم بر تواناییهای بخش غیررسمی برای اشتغال زائی و تقلیل فقر تأکید کرده بود.

در جرگه اقتصاددانان توسعه بود که بخش غیررسمی به عنوان یک مفهوم واقعی در اقتصاد، مورد بررسی ترکیبی قرار گرفت. بسیاری از ناطران بخش غیررسمی را یک واقعیت جنبی یا پیرامونی تلقی می کردند و بین آن و اقتصاد رسمی یا اقتصاد مدرن سرمایه داری پیوندی برقرار نمی کردند. برخی از این ناطران باور داشتند که بخش غیررسمی در غنا، کنیا و دیگر کشورهای در حال توسعه به محض آن که این کشورها به سطح معینی از رشد اقتصادی یا توسعه صنعتی مدرن نائل شوند، از میان خواهد رفت. برخی دیگر بر این نظر بودند که توسعه صنعتی ممکن است در کشورهای در حال توسعه الگوهای دیگری، غیر از الگوهای تحقق یافته در کشورهای توسعه یافته را بپذیرد. این نظر آنان بسط فعالیتهای اقتصاد غیررسمی را نیز شامل می شد.

پیش بینی لويس این بود که توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در بلندمدت به قدر کافی مشاغل مدرن را برای جذب کار اضافی اقتصاد سنتی ایجاد خواهد کرد. این روند می بایست در زمانی که دستمزدها از سطح معیشت پیشی می گرفتند به نقطه عطفی منجر شود؛ چیزی که هنوز هم از آن به عنوان "نقطه عطف لويسی" یاد می شود.

این چشم انداز به یمن بازسازی موفقیت آمیز اروپا و ژاپن در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و گسترش تولید انبوه در اروپا و امریکا در دهه های ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته تقویت می شد. اما در اواسط سالهای ۱۹۶۰ خوش بینی نسبت به چشم انداز رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تدریجاً جای خود را به نگرانی بابت بیکاری مزمن و گسترده در این کشورها داد. این واقعیت مشوق هانس سینگر، اقتصاددان توسعه، شد تا در سال ۱۹۷۰ اعلام کند که در کشورهای در حال توسعه نشانه ای از "نقطه عطف لويسی" به چشم نمی خورد. بیکاری و اشکال مختلف مشاغل موقت در کشورهای در حال توسعه، حتی در آن کشورهایی که به لحاظ اقتصادی در حال رشد بودند، گسترش می یافتند، و این در تناقض آشکاری با تجارب تاریخی در کشورهای توسعه یافته بود. سینگر این پدیده را به عدم تعادل ناشی از پیشرفتهای فنی نسبت می داد؛ به نظر او میان اشتغال زائی محدود تکنولوژیهای سرمایه بر و رشد قابل توجه جمعیت - و نیروی کار - که به یمن پیشرفتهای فنی در کنترل بیماریها و تأمین سلامت حاصل آمده بود، تعادلی وجود نداشت. او نوعی دوسویگی (دوالیسم) مزمن و "خطرناک" را در بازار کار کشورهای در حال توسعه پیش بینی می کرد: سطح بالائی از مشاغل موقت و متناوب همراه با بیکاری آشکار و پنهان. او همچنین نسبت به بحران تراکم استخدام ناشی از کمبود حاد زمین در جماعات پرآزدحام دهقانی و کمبود حاد مشاغل در جماعات پرآزدحام شهیدی هشدار می داد.

سازمان بین المللی کار (س.ب.ک.) در واکنش نسبت به این نگرانی، تعدادی "هیئتهای استخدای" چنددیسپلینه را به بسیاری کشورهای در حال توسعه

### مصر

## "حق من، چه حقی؟"

روشنگری یک تحقیق جدید، در مورد کار بدون دستمزد زنان

صدای مصر، ۱۳ آوریل



زنان روستای العون، در استان اسیوط در مصر

توسط خانم سلوا انتاری، پژوهشگر اقتصادی، نوشته شده و نام "کار بی دستمزد زنان در بازار: کار برای خانواده" را بر خود دارد. گزارش نشان می دهد که تعداد این گروه زنان در ۱۴ سال گذشته ۱۷ درصد افزایش یافته است.

آنتاری می نویسد: "کار بدون دستمزد برای خانواده شکل کلیدی کار زنان در بخش غیررسمی اقتصاد مصر است".

او می افزاید: "آنها انتخاب دیگری جز پذیرش این نوع کار ندارند. این نتیجه فرهنگ غالبی است که در آن زنی که خانه را برای انجام کار به ازای دستمزد ترک کند، سخت نکوهش می شود.

سهم زنانی که به کار بی دستمزد در مشاغل و بر زمینهای خانوادگی اشتغال دارند، از سال ۱۹۹۸ تا کنون از ۲۹ به ۴۶/۴ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که درصد مردانی که بی دستمزد برای خانواده کار می کنند، باز هم کاهش یافته و از سال ۱۹۹۸ به این سو از ۱۳/۲ به ۷/۴ رسیده است.

این زنان که بی سواد و فقیر اند و در جنوب مصر، یا مصرعلیا، مجتمع اند، غالباً روی پروژه های کوچک یا روی زمینهای کشاورزی متعلق به دیگر افراد خانواده هایشان کار می کنند. اینها زنان مصری اند که بدون دستمزد کار انجام می دهند و ۶۴ درصد زنان مصری ای را تشکیل می دهند که در واحدهای متعلق به خانواده کار می کنند. این ها دو نتیجه اصلی تحقیقی است که در آوریل به انجام رسیده است.

گزارش این تحقیق میدانی به مدیریت خانم نفیسه دسوکی،





# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

## شوهر کارفرماست

### این هم مثل بقیه کارگرها

رفتاری که با زنان مورد تحقیق انجام می شود عیناً مشابه رفتار با بقیه کارگران است و شباهتی به رفتار با یک شریک کسب و کار ندارد. در استانهای بیشتر شهری فقط از ۲/۲ درصد این زنان خواسته می شود که ناظر کار دیگر کارگران باشند، در حالی که در استانهای روستائی فقط ۱/۱ درصد این زنان نقش ناظر را بر عهده دارند.

علاوه بر اینها، تحقیق نشاندهنده رنج این زنان بابت شرایط کار شاقتر در مقایسه با کارگران دستمزدی است. بیشتر آنان ناگزیر اند شبها، پس از ساعت ۱۹:۰۰ نیز کار کنند، و کارشان تضمین هیچ نوع بیمه درمانی و خدمات پزشکی نیست.

### تابوی پایدار کار در بیرون از خانه

گزارش تحقیق توجه می دهد که در مناطق روستائی مصر کار با حقوق زنان در بیرون از خانه هنوز اکیداً ناپذیرفتنی است و تنها مشاغل باپرستیژی چون مشاغل دولتی یا در سازمانهای بزرگ، از این قاعده مستثنی اند. در غیر این موارد زنان یا به کار بدون دستمزد در مشاغل خانوادگی اشتغال دارند یا به خانه داری.

به نظر برخی از زنان مورد تحقیق، سؤالاتی که از آنان در مورد حقوق، رؤیاهای و آینده شان می شده اند، سؤالات عجیب و بیموردی بوده اند و پاسخهای آنان کمابیش از این دست که "حق من؟ چه حقی؟"، و سپس بسیاری از آنان به حقوق فرزندان شان می پرداخته اند. فقط یک بخش کوچکی از آنان حقوق خویش برای تحصیل، مسکن یا کار بیرون از خانه را متذکر می شده است.

این تحقیق، به مدیریت دو زن پژوهشگر مصری، نشان می دهد که پدیده کار بی دستمزد زنان مقدماتاً در جنوب مصر متمرکز است: ۶۲ درصد زنانی که در مزارع و مشاغل خانوادگی به کار بدون دستمزد اشتغال دارند، در مصر علیا (جنوب مصر) ساکن اند. در حالی که این نسبت در استانهای شمالی مصر، یا در مصر سفلا، ۲۵/۴ است. فقط ۱/۹ درصد زنانی که در این گروه می گنجند در قاهره، پایتخت مصر، به سر می برند. وضع در اسکندریه و منطقه کانال نیز به همین قرار است.

بیشتر این زنان ازدواج کرده اند و در اکثر موارد کارفرمای آنان کسی جز شوهرشان نیست.

همچنین، به موجب این تحقیق، اکثر این زنان بیسواد اند و این واقعیت ارتباطی به این که در شهر زندگی می کنند یا در روستا، ندارد. هرچه میزان تحصیلات زنان بالاتر است، میزان اشتغال آنان به کار بدون دستمزد کمتر است. کار این زنان اساساً کار کشاورزی است: ۸۲/۷ درصد این زنان در مزارع خرد خانوادگی کار می کنند.

## روز جهانی کارگر را

## هر چه با شکوهتر برگزار کنیم



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

جان کارگران را می کشند؛ گاه با پیامدهای تراژیک.

"کاروشی" در بخشهای بهداشت، خدمات عمومی، کشتیرانی و ساختمان بیشترین بروز را دارد. تعداد ادعاهای غرامت بابت کاروشی در سه ماهه نخست سال ۲۰۱۶ در بخشهای نامبرده، که همیشه هم با کمبود نیروی کار مواجه اند، سر به ۱۴۵۶ مورد زده است.

کمک خواهد کرد که کارگران بیشتری را به کار بگمارد و با پیامدهای کاهش جمعیت روبرو شود. اما با توجه به اجرای شل و ول قوانین کار در ژاپن، برخی از کارفرمایان به معنای واقعی شیره

اتحادیه های کارگری و احزاب اپوزیسیون بریتانیا:

## واحد پورت تالبوت را ملی کنید

بحران فولاد به مجلس عوام کشید



بی.بی.سی.، ۱۲ آوریل ۲۰۱۶

بحران فولاد بریتانیا، صنعت فولاد را در آتش کشید، تمدد می کند

روز دوشنبه، ۱۱ آوریل، آقای ساجد جاوید، وزیر امور کسب و کار بریتانیا، در مجلس اعلام کرد که دولت سخت در جستجوی خریداری برای واحد پورت تالبوت است.

او افزود: "در میان گزینه های مورد نظر، امکان سرمایه گذاری مشترک با یک خریدار مبتنی بر مقررات تجاری نیز وجود دارد".

تونی بورکه، معاون دبیرکل اتحادیه "اتحاد" (Unite) می گوید: "اتحادیه پیگیر تعهد آقای جاوید برای این که دولت حسب ضرورت دست به سرمایه گذاری مشترک بزند، خواهد بود".

خانم آنجلا ایگل، سخنگوی حزب کارگر در امور اقتصادی، که دولت را بابت امتناع از بررسی بحران فولاد در بریتانیا از پس از تعطیلات عید پاک، شماتت می کند، خواهان جلسه اضطراری مجلس شده بود. شرکت فولاد تاتا روند رسمی برای فروش واحدهای زیان ده خود را آغاز کرده است و هزاران محل شغلی را به خطر مواجه کرده است.

اخیراً یک خریدار برای واحد اسکانتورپ پیدا شده است.

آینده واحد عظیم پورت تالبوت هنوز نامشخص است، اگرچه که یک شرکت برای خرید این واحد ابراز علاقه کرده است.

دولت در برابر خواست اتحادیه های کارگری و احزاب اپوزیسیون که خواهان ملی کردن واحد پورت تالبوت اند، مقاومت می کند. پورت تالبوت بزرگترین واحد تولید فولاد بریتانیا است.

صاحبان صنایع فولاد می گویند که این صنعت هنوز زیر فشار یک مجموعه عوامل قرار دارد: قیمت های بالای انرژی در بریتانیا، هزینه های اضافی ناشی از سیاست های ناظر بر حفاظت محیط زیست و واردات فولاد ارزان از چین.



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

شرکت گریبول کاپیتال اعلام کرده است که با نهائی شدن معامله در ۸ هفته آینده، نام شرکت "تولیدات لانگ" به "فولاد بریتانیا" تغییر خواهد یافت.

او می افزاید: "به نظر می رسد "دو هزاری افتاده باشد" که نیاز به دولت فعالی برای حمایت از صنایع فولاد وجود دارد. چنین دولتی بیشترین امید را برای تضمین آینده این صنعت ایجاد خواهد کرد."

شرکت اروپائی "تولیدات لانگ" که شامل واحد اسکانتورپ نیز می شود، به قیمت سمبولیک ۱ پوند به بنگاه سرمایه گذاری گریبول کاپیتال فروخته شد. این معامله موجب حفظ ۴۴۰۰ محل کاری در بریتانیا شد، اما از کارگران خواسته شده است که با تقلیل دستمزد و یک حق بازنشستگی صرفه جویانه موافقت کنند.

## امریکا

### اعتصاب ۴۰ هزار کارگر وریزون

رویتز، ۱۲ آوریل ۲۰۱۶

مدیریت می خواهد از سال ۲۰۱۸ به اجرا بگذارد.

کارگران بخش باسیم وریزون از ماه اوت سال گذشته که قرارداد کارشان منقضی شد، تاکنون بدون قرارداد ثابت کار می کنند.

موضوعات بر سر میز مذاکره میان اتحادیه ها و مدیریت وریزون که یک قرارداد کار جدید باید پاسخگوی آنها باشد، شامل خدمات درمانی، شرایط کار در مراکز تماس، مقررات کاری و بازنشستگی است.

تلویزیونی فیوس را نیز شامل می شود.

روز چهارشنبه مدیریت وریزون اعلام کرد که هزاران کارگر غیراتحادیه را آموزش داده است تا در صورت اعتصاب، ارائه خدمات آن مختل نشود.

مذاکرات قبلی بر سر قرارداد کار جدید در سال ۲۰۱۱ نیز سرانجام به یک اعتصاب انجامید و قرارداد کار فعلی دو هفته پس از اعتصاب مذکور حاصل شد.

مذاکرات میان مدیریت وریزون و اتحادیه ها از ژوئن سال گذشته جریان داشته است. موضوع این مذاکرات طرحهای این شرکت برای قطع خدمات درمانی و مزایای مربوط به بازنشستگی است که

قریب ۴۰ هزار کارگر شرکت مخابرات بی سیم وریزون، از امروز، چهارشنبه ۱۲ آوریل، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب به دنبال شکست مذاکرات میان اتحادیه و مدیریت شرکت برای عقد یک قرارداد کار جدید انجام می گیرد.

اعتصاب کارگران وریزون، که یکی از بزرگترین اعتصابات سالهای اخیر در وریزون است، توسط اتحادیه کارگران مخابرات امریکا و سازمان همبستگی کارگران الکتریک سازمان یافته است.

دو اتحادیه نامبرده مشترکاً قریب ۴۰ هزار کارگر را در بخش عملیات شرکت مخابرات وریزون نمایندگی می کنند. بخش مذکور شرکت خدمات اینترنتی، تلفنی و







# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۶ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۹

او می افزاید: "گزینه های هتل دارند به آخر می رسند. در تمام دعاوی کارگران برنده شده اند. این که مدیریت هتل بیاید و به مذاکره بنشیند، دیگر فقط موضوع امروز یا فرداست".

بنا به اطلاع نامبرده، دستمزد کارگران هتل بین المللی ترامپ در لاس وگاس به طور متوسط ۳/۳۳ دلار از دستمزد کارگران هتل های صاحب اتحادیه کمتر است. آنها همچنین از حق بیمه محروم اند، در حالی که کارگران اتحادیه ای از پوشش رایگان بیمه برای خود و خانواده شان و نیز از حق بازنشستگی برخوردارند.

سخنگوی هتل بین المللی ترامپ حاضر نشد به درخواست ما برای اظهار نظر پاسخ دهد.

که می خواهد دو باره از امریکا کشور بزرگی بسازد. بنابراین فرصت خوبی است که این کار را از همین جا در لاس وگاس و از هتل خودش شروع کند".

به دنبال رأی گیری در مورد ایجاد اتحادیه، مدیریت هتل در ۱۵ مورد به این رأی گیری اعتراض کرد. پس از برگزاری یک جلسه دادگاه، هتل ۲ مورد از اعتراضات خود را پس گرفت و شورای ملی مناسبات کار هم باقی را ناوارد دانست.

بتانی خان، یکی از سخنگویان اتحادیه کارگران آشپزخانه ای، می گوید که اتحادیه منتظر است که مدیریت هتل علیه رسمیت یافتن اتحادیه اعلام استیناف کند. "در صورتی که اتحادیه استیناف را پشت سر بگذارد، آن گاه هتل قانوناً موظف خواهد بود که از این پس در مورد قراردادهای کارگران به توافق برسد.

اتحادیه کارگران آشپزخانه ای، که بیش از ۵۰ هزار کارگر کازینو و هتل در لاس وگاس را نمایندگی می کند، مبارزه انتخاباتی کاندیدای ضد مهاجر جمهوریخواهان را برای تقویت کوشش های خود جهت سازماندهی کارگران موقعیت مناسبی تشخیص داده بود. ترامپ شریک فیلپ رافین، میلیاردر کازینودار لاس وگاس است.

در اوائل دسامبر سال گذشته، اکثریتی از ۵۰۰ کارگر هتل مذکور به ایجاد اتحادیه در هتل و پیوستن به اتحادیه [سراسری] کارگران آشپزخانه ای رأی دادند. از آن پس اتحادیه مواضع ترامپ را در تمام فعالیتهای انتخاباتی اش تعقیب و نقد کرده و معتقد است که این اقدام بر چندین و چند راهپیمائی و مناظره برتری دارد.

جنوکاندا آرگونلو کلاین، صندوقدار اتحادیه می گوید: "ترامپ می گوید



اول ماه مه، 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر گرامی باد



# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۵ / ۹ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۸

## غارت هر چه بیشتر کارگران در دولت تدبیر و امید رضا کریمی

متناقض سعی کرد کارمندان پیمانی و کارگران قرار داد حجمی را به استخدام موقت دولتی تبدیل نماید تا بخش مزد بگیر جامعه را در خدمت اهداف سیاسی خود قرار دهد که در نهایت همه ی این کوششهای عوام فریبانه بعلت رقابت جناحی به شکست منجر شد. قرارداد حجمی در قانون کار موجود نیست مصوبه های دولت احمدی نژاد که مغایر با قانون کار بود بوسیله ی مجلس ملغی اعلام گردیده به این علت عقد قرارداد حجمی غیر قانونی است. اگر واقعاً دولت احمدی نژاد مخالف استخدام پیمانی بود و می خواست استخدام پیمانی فروشندگان نیروی کار را حتی در عرصه ی فقط کارهای دولتی محدود کند چرا تبصره ی یک ۱ ماده ی ۷ قانون کار که می گوید «وزارت کار موظف است که حداکثر مدت موقت قراردادهای کاری را که جنبه ی غیر مستمر دارند را در هیئت وزرا تصویب کند» مدت معین نکرد؟؟ یا چرا تبصره ی ۲ ی ماده ی ۷ قانون کار می گوید «در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می شود. در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می شود.» را اجرایی نکرد؟؟

از آنجایی که قرارداد حجمی با سیاست های درازمدت ضد کارگری دولت تدبیر و امید روحانی خوانایی کامل دارد، عقد این گونه قراردادها در چند ساله ی اخیر رو به گسترش بوده وجود چنین شیوه غارت نیروی کار و مطرح شدن قرارداد حجمی دو استفاده و کاربرد برای دولت نتولیرالیستی روحانی دارد، در کوتاه مدت به عنوان چماق بر علیه کارگران استفاده می شود تا کارگران و فعالان کارگری از ترس قرارداد حجمی به قرارداد موقت پیمانی و قرارداد موقت تن در دهند و کاربرد آتی آن در شرایط مساعد با گسترش این نوع قراردادها عملاً وجود قانون کار را بلا موضوع نمایند.

در دو سال اخیر کارگران بخش بارگیری کارخانه ی سیمان قاین با قرارداد حجمی، دستمزد کمتر از حداقل مزد دریافت کرده اند. در این مدت شرکت پیمانکاری از پرداخت مزایای قانونی نیز خودداری ورزیده است. در سال گذشته که حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومان بوده است، این کارگران حداقل حقوق را معادل ۵۰۰ هزار تومان دریافت کرده اند و علاوه بر آن مزایای مربوط به عیدی، پاداش و سنوات پایان سال را نیز طلبکارند. این خبر هفته ی گذشته رسانه ای شد ولی چنانکه باید مورد توجه فعالان کارگری قرار نگرفت. بنظر می رسد کسی متوجه نیست که دولت تدبیر و امید ضمن غیر قانونی اعلام کردن قراردادهای حجمی، با عدم نظارت به اجرای دقیق قانون کار، عملاً از اجرایی شدن قرارداد های کاری حجمی حمایت می کند. این سیاست به مرگ گرفتن تا به تب راضی شدن کارگران و از سوی دیگر شیوه ی جدید حذف قانون کار از رابطه ی کار و سرمایه نقشه ای است که آقای روحانی قبل از انتخابات سال ۹۲ در کتاب امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران آن را مورد تأیید قرار داده است. قرارداد حجمی نوعی قرارداد است که کارفرما را مجاز می دارد قانون کار را از تنظیم مناسبات کارگر و کارفرما حذف کند. رایج شدن قراردادهای حجمی پیامدی به مراتب سخت تر از آنچه سیاست های کارگری دولت رفسنجانی بر سر طبقه ی کارگر و فروشندگان نیروی کار آورد خواهد داشت، (رفسنجانی بانی و باعث خارج کردن کارگران مناطق تجاری - صنعتی از شمولیت قانون کار و رواج استخدام موقت و راه اندازی شرکت های پیمانی برای غارت هرچه بیشتر کارگران و فروشندگان نیروی کار بود). بطوری که گفته می شود اکنون حداقل ۷۰ درصد و حداکثر ۹۴ درصد شاغلان در حوزه ی دولتی و خصوصی در استخدام موقت یا استخدام موقت پیمانی هستند. لازم به یادآوری است که دولت اصلاحات خاتمی کارگران کارگاه های ۱۰ کارگر و زیر ۱۰ تن را از شمول بخشی از قوانین قانون کار خارج کرد و با این عمل به بخشی از طبقه ی کارگر لطمه ی بزرگی زد.

دولت احمدی نژاد نیز تقلاً کرد با رایج کردن شیوه ی کار استاد شاگردی در مسابقه ی ضدیت با زحمتکشان گوی رقابت را از پیش کسوتان بریاید. این کوشش دولت پاک دست بعلت مقاومت طبقه ی کارگر و کهنه گی خود شیوه ی استاد شاگردی و رقابتهای جناحی شکست خورد. کار حجمی بین شرکتها و مؤسسات از قدیم امری رایج بوده اما این قراردادها به کارکنان آن شرکت ها تعمیم داده نمی شد. اولین بار با مصوبه ی هیئت وزیران دولت احمدی نژاد بود که قرارداد حجمی بصورت مصوبه ی دولتی بین کارگران و کارفرما رایج گردید.

دولت پاک دست برای گسترش پایگاه خود در نظر داشت کارمندان پیمانی ادارات دولتی را به کارمندان موقت مستقیم دولتی تبدیل کند. از سوی دیگر مجلس در ضدیت با دولت احمدی نژاد مصوبات هیئت وزیران را ملغی نمود. در اواخر سال ۹۰ دولت احمدی نژاد که بعلت اختلافات داخلی جناح راست تحت فشار قرار گرفته بود با چندین مصوبه ی





# بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۵ / ۹ آوریل / ۲۰۱۶ / سال سوم شماره ۱۲۸

## تأثیر آلودگی مراکز تولیدی بر سلامتی کارگران و محیط زیست

بهر روز فدائی

پخت دادن آجر استفاده می کنند وزارت صنایع و معادن طرح صنعتی کردن تولید آجر را چندین سال قبل تصویب کرده است.

با نگاهی به آمارهای جدید متوجه می شویم توفیق چندانی حاصل نشده است. حذف یارانه سوخت واحد های تولیدی، صنعتی و تفاوت قیمت نفت کوره با گاز طبیعی، بالا بودن هزینه تاسیسات مورد نیاز، ملزم نکردن مالکان این واحد ها به استفاده از سوخت پاکیزه تر از دلائل عمده ادامه این روند بوده است. استفاده از نفت سیاه آلودگی بسیاری در محیط کار ایجاد می کند و تأثیر مخربی را در شعاع ده ها کیلومتر بر محیط زیست وارد می کند.

کارگران واحدهای تولید آجر ساعات طولانی از روز با کار در محیط آلوده با مخاطرات بسیاری دسته پنجه نرم می کنند، بیماری های تنفسی، پوستی و گوارشی از جمله این موارد می باشد. در زمینه طول عمر و بیماری های رایج در میان کارگران کوره های آجر پزی هیچ گونه آمار معتبری موجود نیست همچنین بخش عمده این کارگران از شمول قانون کار خارج هستند و در وقت بیماری، از کار افتادگی و مرگ بر اثر حوادث کار از هیچ گونه حقی برخوردار نیستند و در آمار ثبت نمی شوند.

در کوره های آجرپزی قوانین و آموزش جهت جلوگیری از حوادث کار محلی از اعراب ندارد. بکار گیری گسترده از کودکان و زنان در این محل آلوده عوارض دراز مدتی را برای آنها بیار می آورد.

با توجه به روند رو به فزونی نابودی روستاه ها و افزایش بی رویه جمعیت حاشیه نشین شهری، حضور گسترده مهاجرین افغان، عدم وجود یک برنامه منسجم مبتنی بر شرایط موجود که پاسخ گوی حل موضوع باشد هیچ گونه چشم اندازی ملاحظه نمی شود و حاکمان هم برنامه مشخص جهت سامان دهی این وضع ندارند.

ارگان های مسئول در گام نخست باید زمینه تبدیل سوخت کارگاه های تولید آجر و در مرحله بعدی شرایط تولید صنعتی آجر را فراهم آورند. هر تلاشی جهت کاهش آلودگی محل کار این واحد ها به پاکیزه شدن محیط زیست یاری می رساند. کارگران شاغل در این واحدهای تولیدی تحت پوشش قوانین کار و بیمه اجتماعی قرار گیرند، کنترل مستمر جهت جلوگیری از بکار گیری کودکان توسط ارگانهای مسئول صورت گیرد.

اساس ترین تحول در شرایط کارگران کوره های آجرپزی تشکیل تشکل های صنفی اتحادیه ای مستقل کارگری است که حقوق خواسته های کارگران این واحدها را پیگیری نمایند، هر چند مقاومت سختی از طرف ارگان های حکومتی و سرمایه داران برای کسب این حق وجود دارد و تاکنون هر تلاشی را با مشت آهنین سرکوب نموده اند.

طی آخرین کنفرانس حفظ (در واقع نجات) محیط زیست در پاریس، ایران جزو کشورهای است که بیشترین آلودگی محیط زیست را دارا است. از این رو از هیئت نمایندگان کنفرانس خواسته شده که در اجرای معاهده های بین المللی در راستای حفظ و بهبود محیط زیست کوشا باشد. اتومبیل های فرسوده دود زا با سوخت غیر استاندارد تولید داخلی و کارگاه های تولیدی به سبک سنتی از جمله دلایل آلودگی می باشد.

علی رغم این که جمهوری اسلامی در برنامه های پنجگانه توسعه، جدا سازی مناطق صنعتی از محیط شهری را در برنامه خود گنجانده، و مثل موارد دیگر برنامه هایش این برنامه نیز روی کاغذ مانده و به دلائل متعدد از جمله وابسته بودن بخشی از صاحبان این صنایع به حاکمیت، بویژه باند نظامی امنیتی، از دستور خارج گردید و تاکنون عملی نشده است. با مکثی بر کار واحدهای سنتی آجرپزی، تأثیر آنها را بر محیط زیست و زندگی کارگران شاغل در این بخش تولیدی را به ارزیابی می گذاریم.

طبق آمار سال ۱۳۹۳ از هفت هزار واحد آجرپزی در کشور ۷۵ درصد هنوز بصورت سنتی بکارشان ادامه می دهند و بیش از نیمی از این گروه کماکان از نفت سیاه برای